

محمد فاضلی در مراسم سالگرد مرحوم ترکان مطرح کرد:

تکنوکرات‌ها وصله ناجور ایران امروز هستند

در مراسم چهارمین سالگرد درگذشت مرحوم مهندس اکبر ترکان پنبلی با حضور پیروز حناچی، علی نقی مشایخی، علی اکبر صالحی، مهدی کرباسیان، محمد معزالدین و محمد فاضلی برگزار شد و آنها به بیان دیدگاه‌های خود درباره ایشان پرداختند.

محمد فاضلی جامعه‌شناس و

مشاور پیشین وزیر نیرو در این مراسم درباره مرحوم ترکان گفت:



آقای ترکان فارغ‌التحصیل دانشگاه صنعتی شریف بود؛ و این معنا دارد و تکنوکرات‌ها به دنبال حل مسائلی هستند که مانع توسعه هستند. در تکنوکراسی، کارآمدی و اثربخشی و حل مسئله اصلی‌ترین عنصر ارزیابی است و نه محبوبیت انتخاباتی و گرانش سیاسی و تعلقات ایدئولوژیک. براساس مشخصاتی که درباره آقای ترکان گفته شد او این سه ویژگی را داشت، یعنی ایدئولوژی برای ایشان مهم نبود و به دنبال کارآمدی و حل مسئله و اثربخشی بود. وقتی به تجربه کره جنوبی در دهه شصت و هفتاد میلادی نگاه می‌کنیم به این می‌رسیم که تصمیم‌گیری براساس داده‌ها، شواهد و استدلال علمی است نه انگیزه سیاسی، و این جمله مرحوم ترکان را به یاد می‌اندازد که می‌گفت برخی عدد را نمی‌فهمند. اگر شما وارد سیستمی شدید و دیدید که اعداد مبنای تصمیم‌گیری هستند بدانید که با یک سیستم تکنوکراتیک مواجه هستید. تکنوکرات‌ها یک ویژگی دارند و آن این است که سیاستمداران در لحظه‌های بحران به سراغ آنها می‌روند، یعنی وقتی سیاست همه چیز را خراب می‌کند تکنوکرات‌ها را صدامی زنند.

نکته جالب اینکه اغلب سیاستمدارها وقتی بحران را طی می‌کنند دوباره تکنوکرات‌ها را کنار می‌گذارند. در ایران چند دوره این سابقه را داریم که به محض اینکه سیاستمدار احساس کرد از بحران خارج شده گفته که تکنوکرات به درد نمی‌خورد و پوپولیست‌ها برگشته‌اند.

تکنوکرات فردی است که تمایل به برنامه‌ریزی درازمدت دارد بنابراین همیشه از سطحی از ثبات استقبال می‌کند، چون برنامه‌ریزی درازمدت در ثبات امکان‌پذیر است. تکنوکرات‌ها اغلب با سیاست به مشکل برمی‌خورند چون هدف اول تکنوکراسی کارآمدی و اثربخشی است اما هدف سیاست و سیاستمداران غیرتکنوکرات، بارگیری و جذب یار وفادار است اما وفادار سرسپرده نمی‌تواند تکنوکرات باشد چون تکنوکرات باید در جایی بایستد و بگوید این کار غلط است، و من آن را انجام نمی‌دهم و مثلاً به راحتی باید بگوید ساخت کارخانه فولاد در وسط کویر بی‌ای غلط است و من آن را به خاطر رای گرفتن از مردم انجام نمی‌دهم و به همین دلیل معمولاً با سیاستمداران به‌مشکل برمی‌خورند. اینکه می‌گویند آقای ترکان به دنبال نام و نشان نبود، به جز شخصیت ایشان از آنجا نشأت می‌گیرد که تکنوکرات‌ها به دنبال دیده شدن و هورا کشیدن نیستند.

تکنوکراسی محصول فارغ‌التحصیلان دانشگاه علم‌گرا است و به همین دلیل بی خود نیست که ترکان محصول دانشگاه صنعتی شریف است؛ پس از هر دانشگاهی تکنوکرات بیرون نمی‌آید. اگر روند افول دانشگاه ادامه پیدا کند دیگر از دل آن تکنوکرات‌هایی شبیه ترکان به وجود نخواهد آمد.

خرد تکنوکراتی، خرد محدودیت است، یعنی اگر فردی بگوید ما باید به اندازه چین محصول کشاورزی داشته باشیم در حالی که آب نداریم قطعاً حرف مرحوم ترکان را به خاطر خواهیم آورد که فلائی عدد را نمی‌فهمد برای همین جدول ضرب جزو اجزای ذهنی هر تکنوکراتی است. **◀**



عکس: سار نیلایی- بزن

یادنامه اقتصاد



توسعه وارونه

وزرای دولت‌های جنگ، سازندگی و اصلاحات برای سالگرد مرحوم اکبر ترکان دور هم گرد آمدند

اگر در جامعه این نوع مدیران باشند و شایسته‌سازی مطرح باشد، کشور آباد می‌شود. ترکان هر جا که بود آنجا را آباد کرد.

▶ جهانگیری: معنای عدد و رقم را می‌دانست

اسحاق جهانگیری از همکاران مرحوم ترکان در چند دولت درباره ایشان گفت: زندگی مهندس ترکان و تجربه توسعه‌ای او یکی از مواردی است که شایسته مطالعه جدی و عمیق است، کاش تمام تجربیات آقای ترکان از زبان خودش ثبت شده بود. من در این جلسه به همه‌دلسوزان عرض می‌کنم که خیلی از مدیران کشور در سال‌های پایانی و دهه پایانی عمرشان هستند و این سرمایه‌ها باید ثبت و ضبط شوند و به‌عنوان سرمایه یک ملت مورد استفاده قرار گیرند.

مرحوم ترکان، مدیر بر خردار از صلاحیت‌های علمی، تحصیلی، انگیزه‌مند، پیگیر، شجاع، صریح، پاک‌دست، توسعه‌گرا و کارآزموده در تمام سطوح و عرصه‌های مختلف مدیریتی و در عین حال پایبند به حوزه حرفه‌ای بود که اکنون به عنوان سرمایه این ملت در بین ما نیست ولی این سوال روبه‌روی ما است که تجربه دانش تجربی ترکان در کجای نظام حکمرانی امروز ما قرار می‌گیرد؟ و قدر از آن دانش استفاده می‌کنیم؟ این سوال نباید به تحلیل و گفتن خاطره محدود شود، ما نمی‌خواهیم در گذشته بمانیم و شایسته نیست که یک ملتی را در گذشته نگه داشت اما این سوال معطوف به ضرورت تداوم در عین تغییر است؛ مسیرهایی که باید تداوم پیدا کنند، اصلاح شوند، بازخورد بگیرند و تغییر پیدا کنند.

ما باید به درستی بدانیم که در چنین مقطعی در کجای توسعه ملی ایران قرار گرفته‌ایم و با چه مسائل و مشکلاتی روبه‌رو هستیم. چه کنیم که فقر در جامعه ما کاهش پیدا کند؟ چه کنیم که ناترازی‌هایی که امروز اقتصاد ایران را از هر طرف مورد تهاجم قرار داده است از بین ببریم؟ من به‌طور خاص فکر می‌کنم دو ناترازی انرژی و ناترازی در بودجه به نقطه فوق‌بحران رسیده است. بودجه کشور هر سال با کسری بوده، کمپاژ نقدینگی و افزایش تورم شرایط خاصی را ایجاد کرده است. چه کنیم که جلوی فرسایش منابع طبیعی و مادی و توسعه زوال انسانی و سرمایه اجتماعی کشور را بگیریم تا نیروها مهاجرت نکنند و کشور و دانشمندان و نخبگان تهی نشود؟

بخشی از مدیران کشور حداقل بعد از جنگ به این جمع‌بندی رسیدند که باید خیز بلندی برای توسعه صنعتی و اقتصادی ایران بردارند. آنها که این روزها به اسم انقلابی‌گری شعار می‌دهند که تولید داخلی باید داشته باشیم و شما فقط به خارج نگاه می‌کنید، حداقلی از برداشت از مفهوم تولید داخلی و مفهوم نگاه به خارج را ندارند اما آن مدیران داشتند. مجموعه‌ای از مدیران از جمله آقای ترکان بودند که پای این نظر ایستادند که باید خودمان صنعت‌ساز شویم.

با همین پشتوانه بود که در سال ۱۳۸۲ گفته شد ما می‌توانیم ۲۰ سال دیگر و در افق ۱۴۰۴، یعنی همین امسال، در منطقه قدرت اول منطقه شویم. در سال ۱۳۸۴ ما دور قیب اصلی در این منطقه یعنی ترکیه و عربستان را داشتیم و تولید ناخالص داخلی و اقتصاد ما با آنها مشابه بود. من زجر کشیدیم و خجالت کشیدیم وقتی که رئیس‌جمهور آمریکا در عربستان خواست ایران را تعریف کند، یک تعریف غلطی کرد که ایران آب و برق ندارد. قرار نبود حتی دشمن ما بخواهد اینقدر دالمانه درباره ما قضاوت کند، ما امروز می‌توانستیم قدرت اول منطقه باشیم اما تحریم‌ها گذاشت و فشار آورد و عده‌ای هم در داخل کشور با شعار گذاشتند و گرنه چهره‌هایی که داشتیم می‌توانستند این خواسته را محقق کنند.

ما باید بتوانیم از شرایط سخت و حتی بحرانی، فرصت‌های خوب برای توسعه کشور ایجاد کنیم،

این مدیران از جنگ فرصت درست کردند. ما باید تلاش کنیم برای مردم و برای نسل جوان با کارهای بزرگ توسعه‌ای امیدآفرینی کنیم تا نسبت به آینده کشورشان امیدوار شوند و بدانند برای این کشور با هم‌افزایی و همکاری بیشتر می‌توان کارهای بزرگی انجام داد. من به آینده ایران خیلی امیدوار هستم.

آقای ترکان دو ویژگی منحصربه‌فرد داشت که مدیران کشور اگر نداشته باشند کشور را به انحراف می‌برند؛ یکی این بود که معنای عدد و رقم را می‌دانست. عدد و رقم معنا دارد، اینکه شعار دهیم رشد هشت درصد، یا راست می‌گوییم یا دروغ. اگر دروغ می‌گوییم که برای مدیر ارشد دروغ گفتن جایز نیست و اگر آرمان است که نمی‌توان آن را تکرار کرد و به آن نرسید. مدیری که عدد و رقم برای او مفهوم نداشته باشد، مدیر نیست و بی‌خود جایی را اشغال کرده است.

ویژگی دوم اینکه، مدیر باید صراحت، شجاعت و دانش را با هم داشته باشد. امکان نداشت در جلسه‌ای، اگر آقای ترکان احساس می‌کرد مطلب گفته‌شده درست نیست، ملاحظه کند و نگوید. استدلال می‌کرد که این اشتباه است و نباید این تصمیم را بگیریم. مدیر باید شجاعت داشته باشد و به مسئول بالاتر خود آنچه هست و واقعیات را منتقل کند. ما افرادی را داشتیم که می‌گفتند به مقام بالاتر می‌گفتم شرایط اداره کشور سخت است اما آنها می‌گفتند نه و فلان مقام آمده و گفته شرایط اصلاً سخت نیست و ما می‌توانیم اداره کنیم، معلوم بود که به آن مسئول بالاتر خلاف گفته شده و بر این مبنا برای یک ملت و یک کشور تصمیم می‌گرفتند.

▶ رنگنه: نسل ما در حال انقراض است

بیژن رنگنه، وزیر پیشین نفت و از دوستان و همکاران مرحوم ترکان نیز در این مراسم گفت: یکی از سعادت‌هایی که من و هم‌نسلان من داشتیم، دیدن آدم‌های خوب مانند آقای ترکان بود. من با آقای ترکان و آقای حسین کاظم‌پور هم‌سن بودم، آن دو فرزند و من هم منتظم. من خوشحالم که با اینکه در این سال‌ها خیلی بدی‌ها و نامردی‌ها دیدم ولی خیلی انسانیت هم دیدم، انسان‌های شریفی را دیدم که وارد دولت و مدیریت نشدند که جیب خودشان و جیب قوم و خویشان‌شان را پر کنند. آدم‌هایی نبودند که به خاطر اینکه جایی به آنها کار نمی‌دادند وارد دولت شده باشند بلکه افراد بسیار با استعدادی بودند. اکبر ترکان بسیار انسان با استعدادی بود، او چه قبل و چه بعد از انقلاب هر جا می‌رفت می‌توانست فوق‌میلیاردر شود. او باهوش بود و نسلی بودند که به نظر من صدها سال بود که چنین نسلی را در ایران در سطح مدیریت دولتی نداشتیم. هیچ کدام ما از اشراف نبودیم، پدران ما، خانواده‌هاییما از اشراف نبودند، نه داماد اشراف بودیم و نه دامادهای ما از اشراف بودند، از همین مردم عادی بودیم و این نسل در حال انقراض است.

من نمی‌خواهم تلخ صحبت کنم و به همین دلیل این روزها اصلاً صحبت نمی‌کنم چون وقتی که صحبت می‌کنم تلخی می‌کشد و بالا می‌آید. شما مدیری‌ها را نگاه کنید که چه کسانی مدیر بودند. ما اشتباه زیاد کردیم اما اشتباهاتی که چاره‌ای نداشتیم و آن را فهمیدیم و گفتیم اشتباه کردیم و آنها را اصلاح کردیم. تمام تندروی‌هایی که اول انقلاب بود با روی کار آمدن آقای هاشمی کنار گذاشته شد و ما مسیر سازندگی و توسعه‌ای بی‌نظیر را برای کشور شروع کردیم که با آمدن آقای خاتمی به اوج رسید. دیدگاه‌های غلط بود اما دیدگاه‌های درست هم بود ولی دیدگاه‌های درست و چه غالب را در کشور داشت و جلوی می‌رفت.

در اوایل دهه ۸۰، امیر قطر به من گفت به شما در پارس جنوبی غبطه می‌خورم و حسادت می‌کنم. گفتیم شما این همه امکانات دارید اما ما کار محدودی انجام داده‌ایم. گفت نه این حرف‌ها را نزن، من وقتی با هواپیما از فراز پارس جنوبی عبور می‌کنم به شما حسادت می‌کنم. ما در چنین وضعیتی بودیم. ما در وضعیتی بودیم که جسارت کردیم و آرزوهای نسل خودمان را در قالب سند چشم‌انداز بنویسیم و بگوییم ما می‌خواهیم کشور اول منطقه از نظر اقتصادی، علمی و فناوری باشیم، نگفتیم سیاسی و فرهنگی چون بلافاصله می‌گفتند همین الان هم اول هستیم بلکه چیزهایی را گفتیم که شاخص داشت و نمی‌توانستند آن را دستکاری کنند. ما هر کاری می‌کردیم شاخص داشت ولی از سال ۱۳۸۴ سند به کلی کنار گذاشته شد و اصلاً تکرار نشد. مقام معظم رهبری جلسه گذاشتند و دنبال کردند و خواست خود را گفتند اما سند چشم‌انداز فراموش شد. ما هر اشتباهی می‌کنیم نباید به عامل خارجی نسبت بدهیم و باید عوامل درونی خودمان را ببینیم و اصلاح کنیم.

آقای ترکان از نسلی بود که همه تعلقاتش برای عزت ایران بود. به صراحت می‌گویم میهن‌پرست بود، من پرستش را عبادت نمی‌دانم بلکه پرستش یعنی عشق. خیلی‌ها ۸۰۰ میلیارد دلار داشتند اما هیچ کاری نکردند اما ما بدون اینکه یک ریال پول داشته باشیم با قرض، عسویه‌ها را ساختیم، عسویه‌ها را عشق ساخت. من هیچ‌کدام از همکاران را با اسم کوچک صدا نمی‌زنم جز آقای ترکان که به او اکبر آقای می‌گفتم. روزی به او گفتم حاضری به عسویه بروی و آنجا ارباسازی؟ با آنکه رده او پایین‌تر می‌آمد، رفت و آنجا را ساخت. ترکان عشق به ایران و سربلندی ایران را داشت و ما اکنون این عشق‌ها را کم داریم. ترکان مدیری منصف بود و اگر اشتباهی می‌کرد آن را قبول می‌کرد و من نیز بارها گفته‌ام در فلان جا اشتباه کردیم و این بد نیست تا دیگران آن اشتباه را تکرار نکنند. من خیلی متأسفم که این رفیق عزیز و هم‌منطور حسین کاظم‌پور قبل از من فوت شدند و احساس می‌کنم چیزی از وجود من کم شده است. ما مثل سیمرغ هستیم، درست است ضعیف می‌شویم اما سیمرغ هیچ‌وقت نمی‌میرد، تا ایران هست سیمرغ هم هست. سیمرغ نماد ماندگاری ایران، نماد خردورزان گوشه‌گیر و کنارگذاشته شده است که دلشان برای ایران می‌تپد، ما مثل سیمرغ هستیم و باید بمانیم. ایران را عشق ساخت اما این عاشقی‌ها کم شده‌اند. عاشق‌ها باید ایران را بسازند و فرزندان‌شان و من ناراحت این مسئله هستم. همه ما دیر یا زود می‌میریم اما مهم این است که این راه عاشقانه زیستن و عاشقانه خدمت کردن و علاقه‌مند زیستن بماند.



علی ایوبی

گزارشگر هم‌میهن

اگر سند چشم‌انداز بیست‌ساله به فراموشی سپرده نمی‌شد، سال ۱۴۰۴ یعنی سالی که در آن هستیم شاهد به ثمر رسیدن اهداف بزرگی بودیم و احتمالاً براساس آنچه در این سند آمده، قدرت اول اقتصادی منطقه می‌شدیم، اما مدیران آن زمان به قول بیژن رنگنه جسارت کرده و آرزوهای نسل‌شان را در قالب این چشم‌انداز نوشته بودند. وزرای دولت جنگ با موهایی سپیدشده در مراسم چهارمین سالگرد مرحوم اکبر ترکان گردهم آمدند تا هم یاد او را گرامی بدارند و هم مانند اسحاق جهانگیری غبطه‌نرسیدن به آن چشم‌انداز را بخورند. این مراسم روز پنجشنبه با عنوان «همایش توسعه و تدبیر» برای بزرگداشت مرحوم مهندس اکبر ترکان برگزار شد. خاطر ترکان برای همکاران و هم‌نسلان او آنقدر عزیز بود که آنها را که مثل گذشته تاب و نایی ندارند گرد هم آورد؛ از شیخ علی اکبر ناطق‌نوری که با موهایی سپید و صداپی لزان آمده بود تا محمدغرضی که عصابه دست و پا کمک فرزندش حرکت می‌کرد. از فرزندان مرحوم هاشمی‌فرسنجانی گرفته -مرحوم ترکان در دولت او وزیر دفاع و بعد وزیر راه و ترابری بود- تا علی جنتی و محمود واعظی، حتی احمد خرم که به دلیل بیماری در بیمارستان بود به رسم وفاداری متنی را در تجلیل از رفیق مرحومش برای این مراسم فرستاده بود.

▶ ناطق‌نوری: سلفه‌پرور نبود

علی اکبر ناطق‌نوری در این مراسم به تجلیل از مرحوم ترکان پرداخت و در ابتدا به طنز گفت که مدت‌هاست سخنرانی نکرده و حرف زدن را فراموش کرده است. او در ادامه عنوان کرد: آنقدر به مرحوم ترکان علاقه داشتم و دوستش داشتم که وقتی از من خواستند که به این مراسم بیایم، پذیرفتم و جفا هم بود اگر درباره ترکان از دیدگاه خودم صحبت نکنم. مدیریت‌های مختلفی که او در کشور داشت، من را وادار می‌کند تا نکته‌ای را بگویم که در جلسه بزرگداشت مرحوم آیت‌الله هاشمی‌فرسنجانی گفتم. آن روز گفتم با عنر خواهی از متخصصین رشته مدیریت، به نظر بنده مدیریت در خون انسان هاست و کلاسیک نیست. هاشمی به حوزه رفته بود و رشته مدیریت را در دانشگاه خوانده بود اما اگر نگویم او مدیری بی‌نظیر، حداقل باید بگویم در تاریخ ما کم‌نظیر و پرکار، توسعه‌گرا، شجاع، آزاده و دلسوز برای کشور بود، مرحوم اکبر ترکان نیز اینگونه بود.

ترکان معطل فرد یا چیزی نمی‌شد، به نظر بنده که مدتی در جهادسازندگی و بعد در وزارت کشور با ایشان کار کردم، شجاعت و مدیریت ایشان معلول صراحت و سلامت بود. وقتی مدیری سالم باشد کار خود را می‌کند ولو اینکه برای او مشکل ایجاد کنند و او را متهم کنند. خصوصیت دیگر مرحوم ترکان این بود که هیچ تعلقی به هیچ پستی نداشت، یادم هست در هر مرگان که کار می‌کرد در جایی با جمعی از آقایان به مشکل خورد، رها کرد و برگشت و دعوی‌ای راه نینداخت. ترکان تفکر و فهم سیاسی بالایی داشت. او

شایسته‌پرور بود نه سلفه‌پرور. رابطه‌بازی، باندبازی، جریان‌بازی و فامیل‌بازی در اخلاق و منش ترکان معنا نداشت و آنچه برای او معنا داشت شایستگی و میدان دادن به زیرمجموعه خود بود تا آنها رشد کنند و مدیر شوند. برخی از ما می‌ترسیم که یک فرد شایسته و با عرضه‌وارد سیستم شود و نمی‌گذاریم پر و بال بگیرد چون می‌ترسیم نان ما آخر شود اما اکبر ترکان اینگونه نبود و نیرو پرورش می‌داد. به همین دلیل است که بعد از این سال‌ها، دوستان او عاشقانه و با رغبت از مرحوم ترکان تجلیل می‌کنند.



همایش توسعه و تدبیر

بزرگداشت جهانگیر سالگردداشت